

[اذان و اقامه 1](#_Toc43131148)

[حکم اقامه در ضیق وقت 2](#_Toc43131149)

[اختصاص اذان و اقامه به نمازهای یومیه 2](#_Toc43131150)

[استحباب سه مرتبه الصلاة برای بقیه نماز های واجب 4](#_Toc43131151)

[استحباب گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد 5](#_Toc43131152)

[استحباب اذان در مواقع وحشت از جن 6](#_Toc43131153)

[استحباب اذان در گوش انسان بداخلاق 7](#_Toc43131154)

[قصد قربت در اذان اعلام 8](#_Toc43131155)

**موضوع**: مسائل /اذان و اقامه /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه قبل أدله عدم وجوب اقامه به پایان رسید و وارد مباحث پیرامون اذان و اقامه شدیم؛ مشروعیت اذان اعلام مورد بررسی قرار گرفت و در ادامه به بحث لزوم قصد قربت در اذان نماز و اذان اعلام پرداخته شد.

# اذان و اقامه

بحث راجع به وجوب اقامه در نماز بود؛ عرض کردیم صاحب عروه نسبت به گفتن اقامه در نماز احتیاط واجب کردند و اتفاقا در کتاب سؤال و جواب -که مشتمل بر استفتاءات از صاحب عروه است- در صفحه 84 چنین ذکر شده است: «من علیه من الیومیة الفریضة فوائت کثیرة فلو اکتفی علی الواجبات و ترک المستحبات بأسرها بان اتی بعد النیة و التحریمة و القراءة فی الرکوع و السجود بذکر تسبیحة صغیرة و فی التشهد بالشهادتین من غیر ضم وحده لاشریک له أو عبده و رسوله و السلام بالسلام علیکم و رحمة الله و برکاته یجزیکم عند جنابکم ‌ام لا؟ الجواب: الاقتصار فی القضاء‌ بل فی الاداء علی الواجبات لامانع منه الا انه لایجوز فی الرکوع و السجود التسبیحة الصغری اقل من ثلاث مرات و الاحوط عندی عدم ترک الاقامة بالنسبة الی الرجال فی کل صلاة اداءا کانت أو قضاءا الا فی ضیق الوقت و السفر أو نحو من ذلک من موارد السقوط»

## حکم اقامه در ضیق وقت

البته مرحوم خویی راجع به آن‌چه که در این استفتاء و همین‌طور در عروه فرموده است که «اقامه در فرض ضیق وقت ساقط می‌‌شود» فرموده اند: اگر اقامه واجب باشد دلیلی بر سقوط آن در ضیق وقت نداریم بلکه در بحث تزاحم اقامه با حفظ وقت داخل می شود.

**ولی به نظر ما حق با صاحب عروه است**؛ زیرا ارتکاز متشرعه در فرضی که وقت تنگ است و مکلف نمی توند تمام رکعات را در وقت درک کند بر این است که اقامه واجب نیست و سیره متشرعه هم بر همین بوده وگرنه اگر نسبت به کسی که یک رکعت از نماز را در وقت درک می کند ولی بقیه رکعات را در وقت درک نمی کند بحث تزاحم مطرح شود وجهی نداریم بگوییم اقامه ساقط است؛ حداقل از باب عدم احراز أهمیت حفظ وقت در تمام رکعات نسبت به اقامه گفتن، مکلف در اقامه گفتن مجاز است؛ بلکه ممکن است به خاطر سبق زمانی بگوییم اقامه گفتن لازم است.

**نکته:** فرض تزاحم بین اقامه و ادراک وقت اختیاری نسبت به ادارک تمام رکعات نماز، مبتنی بر این است که اقامه واجب نفسی باشد اما اگر اقامه شرط نماز باشد –که مبنای مرحوم خویی است و می فرمایند ظاهر اولی دلیل که می‌‌گوید «لاصلاة الا باذان و اقامة‌» یا «یجزیک فی الصلاة اقامة واحدة بغیر اذان» این است که اقامه گفتن شرط صحت نماز است - از بحث تزاحم خارج می شود و وقتی مکلف متمکن از حفظ جمیع أجزاء و شرایط یک واجب واحد نیست همان طور که مرحوم خویی بارها فرموده اند داخل در بحث تعارض شده و بعد از تساقط دلیل شرطیت اقامه و دلیل شرطیت وقت در تمام رکعات، تخییر بین این دو ثابت می شود.

## اختصاص اذان و اقامه به نمازهای یومیه

صاحب عروه در ادامه فرمود اند: «و هما مختصان بالفرائض الیومیة»؛ اذان و اقامه مختص به فرائض یومیه هستند؛ یعنی در غیر نمازهای پنج‌گانه، بقیه نمازهای واجب و یا مستحب اذان و اقامه ندارد؛ مثلا نماز آیات اذان و اقامه ندارد. و این مطلب، مورد فتوای مشهور است بلکه از هیچ‌کس نقل خلاف در مسأله نشده است.

**ممکن است کسی بگوید:** اطلاق بعض روایات شامل همه نمازها می‌‌شود؛ مثلا در موثقه عمار [فَأَمَّا مَا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارٍ السَّابَاطِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لَا بُدَّ لِلْمَرِيضِ أَنْ يُؤَذِّنَ وَ يُقِيمَ إِذَا أَرَادَ الصَّلَاةَ وَ لَوْ فِي نَفْسِهِ إِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى أَنْ يَتَكَلَّمَ بِهِ سُئِلَ فَإِنْ كَانَ شَدِيدَ الْوَجَعِ قَالَ لَا بُدَّ مِنْ أَنْ يُؤَذِّنَ وَ يُقِيمَ لِأَنَّهُ لَا صَلَاةَ إِلَّا بِأَذَانٍ وَ إِقَامَةٍ[[1]](#footnote-1)] آمده بود که مریض نباید اذان و اقامه را ترک کند «لانه لاصلاة الا باذان و اقامة» و این روایت شامل همه نمازها می‌‌شود؛ یا موثقه دیگر عمار [وَ رَوَى عَنْهُ ع عَمَّارٌ السَّابَاطِيُّ أَنَّهُ قَالَ إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ الْفَرِيضَةِ فَأَذِّنْ وَ أَقِمْ وَ افْصِلْ بَيْنَ الْأَذَانِ وَ الْإِقَامَةِ بِقُعُودٍ أَوْ بِكَلَامٍ أَوْ تَسْبِيحٍ وَ قَالَ سَأَلْتُهُ كَمِ الَّذِي يُجْزِي بَيْنَ الْأَذَانِ وَ الْإِقَامَةِ مِنَ الْقَوْلِ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ‌[[2]](#footnote-2)] که در خصوص نمازهای واجب است اعم از نمازهای واجب یومیه یا واجب غیر یومیه مثل نماز آیات است.

**جواب از موثقه اول عمار این است که:** این موثقه به صدد بیان مشروعیت اذن و اقامه نیست؛ زیرا در مورد مریضی است که بخاطر بیماری، سختش است که اذان و اقامه بگوید و حضرت در مورد این مریض فرمودند باید اذان و اقامه بگوید چون نماز بدون اذان و اقامه نمی‌شود؛ قدرمتیقن روایت، مواردی است که نماز با اذان و اقامه مشروع است و از این روایت تأکید بر این مطلب استفاده می‌‌شود که باید این اذان واقامه را بگوید. مؤید این مطلب این است که هیچ ‌کس در مطلق صلوات و لو صلوات مستحبه قائل به اذان و اقامه نشده است.

**جواب از موثقه دوم عمار این است که:** هر چند اطلاق آن هر فریضه ای را شامل می شود؛ أما نماز فریضه به معنای نماز واجب نیست که شامل نماز آیات نیز بشود. قدرمتیقّن نماز فریضه، نمازی است که در قرآن آمده است؛ زیرا شاید فریضه در مقابل سنت باشد نه این که در مقابل مستحب باشد و فریضه در مقابل سنّت به معنای «ما فرضه الله، ما قدّره الله» در مقابل «ما سنّه النبی» است و آنی که در قرآن ذکر شده است نماز های یومیه است؛ نهایت این است که نماز عید هم شامل شود از این جهت که برخی گفته اند آیه «فصل لربّک و انحر» اشاره به نماز عید قربان دارد؛ یا آیه «قد أفلح من تزکّی و ذکر اسم ربّه فصلی» اشاره به نماز عید فطر دارد. پس نهایت در قرآن نماز های یومیه و نماز عید فطر و عید قربان آمده است.

البته ما راجع به نماز عید فطر و عید قربان روایت صحیحه داریم که اذان و اقامه در آن مشروع نیست؛ صحیحه عبدالله بن سنان: «الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: صَلَاةُ الْعِيدَيْنِ[[3]](#footnote-3) رَكْعَتَانِ بِلَا أَذَانٍ وَ لَا إِقَامَةٍ لَيْسَ قَبْلَهُمَا وَ لَا بَعْدَهُمَا شَيْ‌ءٌ[[4]](#footnote-4)» یا در صحیحه زراره آمده است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع لَيْسَ فِي يَوْمِ الْفِطْرِ وَ الْأَضْحَى أَذَانٌ وَ لَا إِقَامَةٌ أَذَانُهُمَا طُلُوعُ الشَّمْسِ إِذَا طَلَعَتْ خَرَجُوا وَ لَيْسَ قَبْلَهُمَا وَ لَا بَعْدَهُمَا صَلَاةٌ وَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ مَعَ إِمَامٍ فِي جَمَاعَةٍ فَلَا صَلَاةَ لَهُ وَ لَا قَضَاءَ عَلَيْهِ»[[5]](#footnote-5)؛ نتیجه این که در ذیل موثقه عمار فقط نماز های پنج گانه یومیه باقی می ماند و نماز عید فطر و عید قربان را روایت صحیحه خارج می شوند.

## استحباب سه مرتبه الصلاة برای بقیه نماز های واجب

صاحب عروه در ادامه فرموده اند: «و اما فی سایر الصلوات الواجبة فیقال الصلاة ثلاث مرات»

دلیل این مطلب، صحیحه اسماعیل بن جابر است: وَ رَوَى إِسْمَاعِيلُ بْنُ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قُلْتُ لَهُ أَ رَأَيْتَ صَلَاةَ الْعِيدَيْنِ هَلْ فِيهِمَا أَذَانٌ وَ إِقَامَةٌ قَالَ لَيْسَ فِيهِمَا أَذَانٌ وَ لَا إِقَامَةٌ وَ لَكِنْ يُنَادَى الصَّلَاةَ الصَّلَاةَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ لَيْسَ فِيهِمَا مِنْبَرٌ الْمِنْبَرُ لَا يُحَرَّكُ مِنْ مَوْضِعِهِ وَ لَكِنْ يُصْنَعُ لِلْإِمَامِ شِبْهُ الْمِنْبَرِ مِنْ طِينٍ فَيَقُومُ عَلَيْهِ فَيَخْطُبُ النَّاسَ ثُمَّ يَنْزِلُ‌[[6]](#footnote-6)

این روایت از نظر سندی معتبر است؛ زیرا شیخ طوسی این روایت را به سند صحیح از اسماعیل بن جابر نقل می کند و نیز شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه به اسناد خودش از اسماعیل بن جابر نقل می کند و هر چند اسناد صدوق به اسماعیل بن جابر مشتمل بر محمد بن موسی المتوکل است که در کلمات قدماء توثیق خاص ندارد، ولی به نظر ما ثقه است؛ زیرا أولاً شیخ صدوق در مشیخه این شخص را در حدود 48 مورد در طریق خودش به کتب أصحاب و روایات أصحاب ذکر کرده است و بارها راجع به او تعبیر «رضی الله عنه» را به کار برده است که کاشف از وثاقت او است. ثانیاض ابن طاووس در فلاح السائل فرموده است که بر وثاقت این شخص اتّفاق است.

و وثاقت اسماعیل بن جابر را نیز بناء بر مبنای ما می توان اثبات کرد زیرا او از مشایخ صفوان است که شیخ طوسی در عده فرموده است: «صفوان و بزنطی و ابن أبی عمیر به این شناخته شده اند که جز از ثقه روایت نمی کنند: عرفوا بانهم لایروون و لایرسلون الا عن ثقة»؛ علاوه بر این که شیخ طوسی در رجال راجع به او فرموده است: «إسماعيل بن جابر الخثعمي‌ الكوفي، ثقة ممدوح، له أصول رواها عنه صفوان بن يحيى»[[7]](#footnote-7) و این اسماعیل بن جابر خثعمی همین اسماعیل بن جابر جعفی است؛ یا خثعمی تصحیف لفظ جعفی است یا ایشان دو لقب داشته است؛ و دلیل این که می گوییم این ها یک نفر اند این است که هیچ کدام از رجالیین هر دو را با هم و در کنار هم ذکر نکرده اند؛ مثلاً شیخ طوسی در رجال اسماعیل بن جابر خثعمی را مطرح می‌‌کند، نجاشی اسماعیل بن جابر جعفی را مطرح می‌‌کند و هر دو هم می‌‌گویند راوی کتاب اسماعیل بن جابر، صفوان بن یحیی است. و مؤید این مطلب این است که در نسخه رجال شیخ طوسی که پیش شیخ عنایة الله بوده طبق آن‌چه که در معجم الرجال است این بوده که «اسماعیل بن جابر جعفی ثقة ممدوح» و در نسخه نقد الرجال فاضل تفرشی هم همین‌طور است. لذا یا خثعمی تصحیف جعفی است یا اگر صحیح باشد لقب آخری برای همین اسماعیل بن جابر جعفی است.

و لذا سند روایت تمام است.

روایت در خصوص نماز عید فطر و عید قربان فرموده قبل از نماز به جای اذان و اقامه سه بار می‌‌گویند «الصلاة الصلاة الصلاة»

**مرحوم خویی فرموده اند:** از کلمه «ینادی» استفاده می شود که موردش نماز جماعت بوده است و راجع به نماز فرادا تعبیر به «ینادی» نمی کنند. که انصافاً فرمایش متینی است.

از طرف دیگر –همان طور که مرحوم خویی بیان فرموده اند- این روایت ولو در مورد نماز جماعت در عید فطر وارد شده است؛ لکن به حسب فهم عرفی، نکته نداء به نماز با گفتن سه بار «الصلاة الصلاة الصلاة» اختصاص به نماز جماعت در عید فطر و عید قربان ندارد و اگر برای نماز آیاتی که به شکل جماعت خوانده می شود بخواهند نداء کنند عرفاً همین گفتن سه بار «الصلاة» مستحب خواهد بود

## استحباب گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد

صاحب عروه در ادامه فرموده است: نعم يستحب الأذان في الاذن اليمنى من المولود و الإقامة في أذنه اليسرى يوم تولده أو قبل أو تسقط سرته: مستحب است در گوش راست نوزاد اذان و در گوش چپش اقامه بگویند.

منشأ این فتوا معتبره سکونی است: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ وُلِدَ لَهُ مَوْلُودٌ فَلْيُؤَذِّنْ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى بِأَذَانِ الصَّلَاةِ وَ لْيُقِمْ فِي الْيُسْرَى فَإِنَّهَا عِصْمَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.[[8]](#footnote-8)

**ولی در روایت حفص کناسی از امام صادق علیه السلام نقل می کند**: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانٍ عَنْ حَفْصٍ الْكُنَاسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مُرُوا الْقَابِلَةَ أَوْ بَعْضَ مَنْ يَلِيهِ أَنْ تُقِيمَ الصَّلَاةَ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى فَلَا يُصِيبَهُ لَمَمٌ وَ لَا تَابِعَةٌ أَبَداً[[9]](#footnote-9). می فرماید به قابله یا کسی که أمر نوزاد را اداره می کند بگویید اقامه نماز را در گوش راستش بگوید.

**به نظر ما این روایت حفص کناسی سندا ضعیف است**؛ زیرا حفص توثیق ندارد و لکن اگر سندا تمام بود ما این امر به اقامه در گوش راست را با آن امری که در موثقه سکونی به اقامه گفتن در گوش چپ است این‌گونه جمع عرفی می‌‌کردیم که حمل بر تخییر می‌‌کردیم؛ لکن چون سند این روایت را قبول نداریم این فرمایش صاحب عروه متین است که فرمود «یستحب الاذان فی اذن الیمنی من المولود و الاقامة ‌فی اذنه الیسری»

اما این‌که فرمود «این استحباب در روز تولد نوزاد است» ظاهراً منشأ آن این است که در روایت حفص کناسی فرمود «مروا القابله» و قابله در روز تولد نوزاد کنار او است؛ لکن با توجه به این که در ادامه تعبیر «بعض من یلیه» دارد اختصاصی به آن روز پیدا نمی کند؛ مگر این که کسی بگوید روایت حفص و همین طور موثقه سکونی به روز أول و روز تولد انصراف دارد؛ لکن ما وجهی برای این انصراف نمی بینیم.

أما این که فرمود «این استحباب در روز افتادن ناف است» منشأ آن روایت ابن یحیی رازی است: وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ الصَّيْقَلِ عَنْ أَبِي يَحْيَى الرَّازِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا وُلِدَ لَكُمُ الْمَوْلُودُ أَيَّ شَيْ‌ءٍ تَصْنَعُونَ بِهِ قُلْتُ لَا أَدْرِي مَا يُصْنَعُ بِهِ قَالَ فَخُذْ عَدَسَةَ جَاوَشِيرَ فَدُفْهُ بِمَاءٍ ثُمَّ قَطِّرْ فِي أَنْفِهِ فِي الْمَنْخِرِ الْأَيْمَنِ قَطْرَتَيْنِ وَ فِي الْأَيْسَرِ قَطْرَةً وَ أَذِّنْ فِي أُذُنِهِ الْأَيْمَنِ وَ أَقِمْ فِي الْأَيْسَرِ تَفْعَلُ ذَلِكَ قَبْلَ أَنْ تُقْطَعَ سُرَّتُهُ فَإِنَّهُ لَا يَفْزَعُ أَبَداً وَ لَا تُصِيبُهُ أُمُّ الصِّبْيَانِ.[[10]](#footnote-10)

این روایت به خاطر مجهول بودن ابن یحیی ضعف سند دارد؛ لکن با غمض عین از ضعف سند، بیان نکرده است که در روز افتادن ناف، اذان گفتن در گوش راست و اقامه گفتن در گوش چپ نوزاد مستحب است بلکه می فرماید تا آن روز این کار را انجام دهیم یعنی از روز ولادت تا روز افتادن ناف این کار را انجام دهید.

## استحباب اذان در مواقع وحشت از جن

صاحب عروه می فرماید: و کذا یستحب الاذان فی الفلوات عند الوحشة من الغول و سحرة الجن.

**منشأ این فتوا برخی از روایات است؛**

1- وَ قَالَ الصَّادِقُ ع- إِذَا تَغَوَّلَتْ لَكُمُ الْغُولُ فَأَذِّنُوا[[11]](#footnote-11) که در من لایحضره الفقیه نقل شده است و وسائل الشیعه این روایت را به این شکل نقل می کند: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ ع إِذَا تَوَلَّعَتْ بِكُمُ الْغُولُ فَأَذِّنُوا.[[12]](#footnote-12) یعنی هر گاه غول به شما بپردازد یعنی شما را ایذاء کند اذان بگویید که سند هر دو ضعیف است؛ روایت فقیه مرسله است که هر چند مرسله جزمی صدوق است که برخی بزرگان مثل مرحوم امام آن را معتبر می دانند ولی ما قبول نداریم.

2- عَنْهُ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ يَحْيَى بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ سَهْلِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ سَلَامٍ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْمُؤَذِّنُ الْمُحْتَسِبُ‌ كَالشَّاهِرِ بِسَيْفِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الْقَاتِلِ بَيْنَ صَفَّيْنِ وَ قَالَ مَنْ أَذَّنَ احْتِسَاباً سَبْعَ سِنِينَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا ذَنْبَ لَهُ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا تَغَوَّلَتْ لَكُمُ[[13]](#footnote-13) الْغِيلَانُ فَأَذِّنُوا بِأَذَانِ الصَّلَاةِ وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع يُحْشَرُ الْمُؤَذِّنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ طِوَالَ الْأَعْنَاقِ‌[[14]](#footnote-14) سند روایت ضعیف است و بیان می کند هر گاه غول در بیابان در نظر شما بیاید اذان بگویید.

مناسب است عبارتی را از مرحوم مجلسی اول در لوامع صاحب‌قرانی جلد 3 صفحه 599 نقل کنیم؛ ایشان می فرماید: «این غول طائفه‌ای از جن یا شیاطین هستند و در بعضی جاها مثل حوالی نجف اشرف بسیار می‌‌باشند و از بسیار کس شنیده‌ام که چون به صحرا می‌‌رفتیم در نظر ما می‌‌آمد و با ما بود و صحبت می‌‌داشتیم و چون اسم خدای تعالی را، آیة الکرسی را می‌‌خواندیم که مبادا غول باشد، به شکل منار دراز می‌‌شدند و پنهان می‌‌شدند. و جمعی می‌‌گفتند وقتی اذان را شروع می‌‌کردیم می‌‌گریختند. و جمعی منکرند و تأویل می‌‌کنند که محض خیال است». بعد مرحوم مجلسی اول فرموده است: «بر تقدیر تسلیم (بر فرض بگوییم خیال است) دعاها و قرآن و اذان رفع خیال‌های باطل نیز می‌‌کنند»

## استحباب اذان در گوش انسان بداخلاق

**صاحب عروه می فرماید**: و کذا یستحب الاذان فی اذن من ترک اللحم اربعین یوما و کذا کل من ساء خلقه و الاولی ان یکون فی اذنه الیمنی.

مستند این فتوا روایاتی است؛ صحیحه هشام بن سالم: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: اللَّحْمُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَ مَنْ تَرَكَ اللَّحْمَ أَرْبَعِينَ يَوْماً سَاءَ خُلُقُهُ وَ مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ فَأَذِّنُوا فِي أُذُنِهِ.[[15]](#footnote-15)

در فوائد خوردن گوشت می فرماید خوردن گوشت باعث روییدن گوشت انسان می شود. و این روایت بیان می کند که اگر چهل روز گوشت خورده نشود باعث می شود که اذان گفتن در گوش این شخص مستحب شود. و نیز هر کس سوء خلق پیدا کندمستحب است در گوش او اذان بگوییم.

أما منشأ این که صاحب عروه فرمود: «و الاولی ان یکون فی اذنه الیمنی» این روایت است: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبَانٍ عَنِ الْوَاسِطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْ‌ءٍ قَرَماً وَ إِنَّ قَرَمَ الرَّجُلِ اللَّحْمُ فَمَنْ تَرَكَهُ أَرْبَعِينَ يَوْماً سَاءَ خُلُقُهُ وَ مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ فَأَذِّنُوا فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى وَ رَوَاهُ عَنِ الْمُحْسِنِ عَنْ أَبَانٍ‌ عَنِ الْوَاسِطِيِّ‌[[16]](#footnote-16): ان لکل شیء قَرَما: یعنی هر چیزی یک خواستی دارد، غرم همان‌طور که در مجمع البحرین گفتند شدت شهوت است. ولی سند روایت به خاطر مجهول بودن واسطی، ضعیف است. ولی از باب تسامح در أدله سنن، عمل به این روایت اشکال ندارد.

**صاحب عروه می فرماید**: «و کذا الدابة اذا ساء خلقها»: مستحب است در گوش دابه هم اگر بداخلاقی کند اذان بگوییم.

مستند این مطلب این روایت است: عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي حَفْصٍ الْأَبَانِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ كُلُوا اللَّحْمَ فَإِنَّ اللَّحْمَ مِنَ اللَّحْمِ وَ اللَّحْمُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَ مَنْ لَمْ يَأْكُلِ اللَّحْمَ أَرْبَعِينَ يَوْماً سَاءَ خُلُقُهُ وَ إِذَا سَاءَ خُلُقُ أَحَدِكُمْ مِنْ إِنْسَانٍ أَوْ دَابَّةٍ فَأَذِّنُوا فِي أُذُنِهِ الْأَذَانَ كُلَّهُ وَ رَوَى بَعْضُهُمْ أَيُّمَا أَهْلُ بَيْتٍ لَمْ يَأْكُلِ اللَّحْمَ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً سَاءَتْ أَخْلَاقُهُمْ‌[[17]](#footnote-17)

روایت مرسله است و أبی حفص أبان هم مجهول است ولی از باب تسامح در أدله سنن عمل به این روایت اشکال ندارد و به قصد رجاء به این روایت عمل می کنیم ان شاء الله ثواب می بریم.

## قصد قربت در اذان اعلام

صاحب عروه می فرماید: ثمَّ إن الأذان قسمان أذان الإعلام و أذان الصلاة و يشترط في أذان الصلاة كالإقامة قصد القربة بخلاف أذان الإعلام فإنه لا يعتبر فيه

می فرماید قصد قربت در اذان اعلام معتبر نیست ولی در اذان نماز معتبر است؛ ما عرض کردیم وجه اعتبار قصد قربت در اذان نماز، ارتکاز قطعی متشرعه است. راجع به اذان اعلام در صورتی که اطلاق لفظی در روایات اذان اعلام داشته باشیم می توانیم برای نفی اعتبار قصد قربت به آن تمسک کنیم؛ مثلاً اگر صحیحه معاویة بن وهب «عَنْهُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أَذَّنَ فِي مِصْرٍ مِنْ أَمْصَارِ الْمُسْلِمِينَ سَنَةً وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ[[18]](#footnote-18)» را دلیل بر مشروعیت اذان اعلام قرار دهیم می توانیم به اطلاق لفظی آن تمسک کرده و قصد قربت را نفی کنیم؛ لکن ممکن است بگوییم (که مرحوم بروجردی بیان کرده اند) این روایت فرض نکرده است که این اذان، اذان اعلام است و تنها بیان کرده است که همان اذان مشروع را کسی اگر یک سال بگوید بهشت برای او واجب می شود در این صورت قدرمتیقّن، اذان نماز است که مؤذن بالای مأذنه می گوید و عملاً اذان اعلام هم می شود؛ أما مشروعیت اذان اعلام بدون این که مصداق اذان نماز باشد، از این روایت استفاده نمی شود.

اگر این اشکال مرحوم بروجردی را مطرح کنیم یا بگوییم «وجبت له الجنّه» به اذان به قصد قربت انصراف دارد باید سراغ سیره برویم؛ و ما بعید نمی دانیم که سیره متشرعه بر استحباب اذان اعلام بوده است و لو در صورتی که پول به افراد بدهند که اذان اعلام بدهند و مؤذن هم قصد قربت نکند.

حال اگر شک کنیم که اذان اعلام، مشروط به قصد قربت است یا نه، نوبت به أصل عملی می رسد؛

**مرحوم خویی فرموده اند**: نمی توان به أصل برائت رجوع کرد و باید سراغ استصحاب عدم جعل شرطیت (شرطیت قصد قربت برای استحباب اذان اعلام) برویم؛ ایشان در وجه عدم رجوع به أصل برائت در موسوعه جلد 13 صفحه 253 فرموده اند: رفع ما لایعلمون وجوب احتیاط را نفی می‌‌کند و در مستحبات وجوب احتیاطی مطرح نیست و اگر بحث حسن احتیاط است با حدیث رفع حسن احتیاط از بین نمی‌رود.

**در مورد فرمایش مرحوم خویی می گوییم:**

**أولاً:** این فرمایش ایشان بر خلاف مبنای اصولی ایشان است؛ ایشان در اصول فرموده اند برائت شرعیه از وجوب شرطی شرط مشکوک جاری می شود؛ یعنی اگر شک کنیم عمل مستحبی، مشروط به شرط زایدی است یا نه، برائت از وجوب شرطی این شرط مشکوک جاری می شود و این برائت برای کسی که می خواهد به این مستحب عمل کند رفع ثقل می کند و این شخص می تواند با ترک این شرط مشکوک هم به این مستحب عمل کند.

**ثانیا:** بر فرض مثل مرحوم آقای صدر بگوییم برائت شرعیه برای نفی شرطیت مشکوکه در مستحبات جاری نمی‌شود، استصحاب عدم جعل شرطیت به نظر مرحوم خویی اشکال دارد؛ خود مرحوم خویی در بحث برائت فرموده اند با استصحاب در أقل و أکثر ارتباطی نمی توانیم وجوب اکثر را نفی کنیم؛ چه فرق می کند؟ اینجا هم شما می خواهید بگویید اذان با قصد قربت مستحب نیست و ذات اذان مستحب است و می خواهید استصحاب عدم استحباب مقیّد جاری کنید. ایشان فرموده اند این استصحاب، با استصحاب عدم جعل حکم مطلق معارضه می کند؛ یعنی استصحاب عدم جعل وجوب أکثر با استصحاب عدم جعل وجوب أقل لابشرط تعارض می کند؛ اینجا هم استصحاب عدم جعل اذان مشروط به به قصد قربت با استصحاب عدم استحباب اذان لابشرط از قصد قربت تعارض می کند. البته بهتر بود بگوییم استصحاب برای نفی استحباب اذان مقید به قصد قربت، أصل مثبت است و استحباب اذان لابشرط از قصد قربت را اثبات نمی کند.

خلاصه این که اگر نوبت به أصل عملی برسد کار مشکل می شود. این که بتوانیم با أصل عملی، استحباب ذات اذان اعلام و لو بدون قصد قربت را ثابت کنیم أصل مثبت می شود. بله اگر کسی رجاءاً اذان اعلام بگوید؛ به این معنا که بگوید کسی که اذان اعلام بدون قصد قربت بگوید ان شاء الله به مستحب عمل کرده است، امید است به مستحب عمل کرده باشد و این أمر نیازی به أصل عملی ندارد.  
این مطلب در رابطه با استحباب اذان اعلام بود؛ أما این که فصول اذان چه عددی است، مشهور بین فقهای امامیه این است که فصول اذان 18 تا است و لذا صاحب عروه فرموده است: «و فصول الاذان ثمانیة عشر الله اکبر اربع مرات اشهد ان لا اله الا الله اشهد ان محمدا رسول الله حی علی الفلاح حی علی الصلاة حی علی خیر العمل الله اکبر لا الا اله الله کل واحدة مرات»

و در مسأله أقوال دیگری وجود دارد که در جلسه آینده بحث خواهیم کرد.

1. [استبصار، شیخ طوسی، ج1، ص300.](http://lib.eshia.ir/11002/1/300/للمریض) [↑](#footnote-ref-1)
2. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج1، ص285.](http://lib.eshia.ir/11021/1/285/بقعود%20) [↑](#footnote-ref-2)
3. استاد «صلاة العید» فرمودند که ظاهراً از وسائل نقل فرموده اند. [↑](#footnote-ref-3)
4. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج3، ص128.](http://lib.eshia.ir/10083/3/128/بلا%20اذان) [↑](#footnote-ref-4)
5. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص459.](http://lib.eshia.ir/11005/3/459/خرجوا%20) [↑](#footnote-ref-5)
6. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج1، ص509.](http://lib.eshia.ir/11021/1/509/مرّات%20) [↑](#footnote-ref-6)
7. [رجال الطوسی، شیخ طوسی، ج1، ص125.](http://lib.eshia.ir/14027/1/125/ممدوح%20) [↑](#footnote-ref-7)
8. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص24.](http://lib.eshia.ir/11005/6/24/مولود%20) [↑](#footnote-ref-8)
9. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص23.](http://lib.eshia.ir/11005/6/23/لمم%20) [↑](#footnote-ref-9)
10. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج7، ص436.](http://lib.eshia.ir/10083/7/436/قطرتین%20) [↑](#footnote-ref-10)
11. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج1، ص298.](http://lib.eshia.ir/11021/1/298/الغول%20) [↑](#footnote-ref-11)
12. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج5، ص455، أبواب الاذان و الاقامه، باب46، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/5/455/الغول%20) [↑](#footnote-ref-12)
13. استاد از وسائل الشیعه نقل فرمودند و تعبیر «بکم» دارد. [↑](#footnote-ref-13)
14. [المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، ج1، ص48.](http://lib.eshia.ir/15101/1/48/المحتسب%20) [↑](#footnote-ref-14)
15. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص309.](http://lib.eshia.ir/11005/6/309/ینبت%20) [↑](#footnote-ref-15)
16. [المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، ج2، ص465.](http://lib.eshia.ir/15101/2/465/قرما%20) [↑](#footnote-ref-16)
17. [المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، ج2، ص466.](http://lib.eshia.ir/15101/2/466/فأذنوا) [↑](#footnote-ref-17)
18. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص283.](http://lib.eshia.ir/10083/2/283/أمصار%20) [↑](#footnote-ref-18)